

# مهرگان

## جشنی به

### در آذن‌گای تاریخ ایران

م - سروش

جا است و همواره در خورستایش و بزرگداشت است. مهر میان همه ایزدان نیرومندترین است. (۴)

جشن مهرگان که در گذشته آن را «متراکانا» یا «متراکانا» (Metatrakana) نامیدند در مهر روز از مهر ماه، یعنی روز شانزدهم ماه مهر برگزار می‌شد. اما در زمان هخامنشیان مهرگان را در نخستین روز مهرماه جشن می‌گرفتند. این جشن پس از نوروز بزرگترین جشن ایرانی و هندی بوده است در ستایش ایزد «میثرا» یا «میترا» که از مهر روز آغاز شده تا رام روز به اندازه شش روز ادامه می‌یافته است.

در «برهان قاطع» خلف تبریزی درباره مهرگان می‌خوانیم:

«نام روز شانزدهم از هر ماه و نام ماه هفتم از سال شمسی باشد و آن بودن آفتتاب عالمتاب است در برج میزان که ابتدای فصل خزان است و نزد فارسیان بعد از جشن و عید نوروز که روز اول آمدن آفتتاب

هندوها به نام (وداها) نیز نام این پروردگار بزرگ ایرانی بیشتر به معنی رفیق، هدم و یاری کننده بسیار آمده است.» (۳)

در کتاب اوستا نیز در بخش یشت‌ها قدرت و اهمیت این ایزد تا جاییست که اهورامزدا به زرتشت می‌گوید: مهر آفریده من است و من او را در مقام و سزاوار بودن عبادت، هم سنگ خود قرار دادم. بنابراین میترا کسانی را که به او دروغ گویند، به نامش عهد و پیمان بندند که بدان وفا نکنند در سراسر قلمرو و مملکت و هرجا که باشند تعقیب کرده و به کیفر می‌رسانند. ایزد مهر همواره کسانی را که پیماندار باشند یاوری می‌کند و فروشیان به وی فرزندان دلیر و پارسا می‌دهد. میترا را ستایش می‌کنیم که دارنده دشت‌های فراخ است. نگهبان ممالک آریایی (ایرانی) است و در ممالک آرامش و تنم به وجود می‌آورد و کارهای دشوار را چاره سازی کرده، سعادت و پیروزی را برای مردمان ارمغان می‌آورد، چون اوست دلیر و کسی که در همه

واژه مهر به معنای پیمان، دوستی، محبت و همچنین به معنی پیشو و داور بزرگ است. در اوستا، مهر، بزرگترین ایزدان است.

«واز آفریدگان اهورا (خداآوند) محسوب شده که واسطه بین آفریدگار و آفریدگان است» (۱) مسعود سعد این معانی را در یک بیت شعر

جمع نموده و چنین می‌گوید:

روز مهر و ماه مهر و جشن فرخ مهرگان مهر بفزا ای نگار مهر چهره مهربان بزرگ ایزدی که جشن به نام اوست در سانسکریت MITRA، در اوستا و کتیبه‌های هخامنشی MITHARA و در پهلوی MITHARA (که امروز به آن مهر گوییم) و به معنی رابطه و پیوندی میان روشنایی و نور و فروغ از لی است در حالی که مهر فروغ و پرتو انوار خورشید است.

«نام این خدای کهن هند و ایرانی در قدیمیترین سند مکتوب به نام الواح گلینی متعلق به ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد ثبت شده است.» (۲) «در کهن ترین آثار

برای رسیدن به ۳۶۵ می‌آمد) حذف و شش ماه اول سال ۳۱ روز گردید. از آن پس، در بسی از تقویم‌ها، مهرگان، به جای ۱۶ مهر در دهم مهر آمده است.

با این وجود، دکتر بیهram لره وشی از برگزاری مهرگان به عنوان جشنی خانوادگی، در بین زدتیان یزد و کرمان و نیز «از آین قربانی کردن گوسفند، در برخی از روستاهای زرده‌شی نشین یزد، برای ایزد مهر» خبر می‌دهد. تا سی سال پیش، زدشتیان کرمان، در این روز، به یاد مردگان، موغی را کشته و شکمش را با حبوبات و آلو انباسته و به عنوان خوراک ویژه، یادمان مردگان می‌پختند. جلال آل احمد زمان برگزاری آین قلی شویان در مشهد اردهال را بامهرگان هم پیوند می‌داند. صدرالدین عینی در یادداشت‌ها، از جشنی در تاجیکستان و سمرقند یاد می‌کند که هر سال در ماه میزان (مهر ماه) برگزار می‌شد. جشنی که می‌تواند با همه دگرگونی‌ها، بازمانده جشن مهرگان باشد.

ماه مهر و مهرگان، در جامعه کشاورزی، فصل و زمان برداشت، انباشتن فراورده‌ها، برداختن خراج و مالیات، اندوختن نیازمندی‌های زمستانی و گرمی بازارهای موسومی بوده که هنوز - هر چند نه به نام مهرگان - برگزار می‌شود. و نیز با تحول و دگرگونی ای که با گذشت سده‌ها و هزارهای در برگزاری جشن‌ها و آینه‌ها - مانند همه پدیده‌ها و زمینه‌های فرهنگی - روی داده و می‌دهد، جشن مهرگان تنها به این عنوان که نام روز با نام ماه یکی است برگزار نمی‌شود، بلکه بیشتر اسطوره قیام کاوه آهنگر در برابر بیدارگری‌های ضحاک است که یادمان این جشن نعادین می‌باشد. بی‌گمان، باور و اعتقاد به ایزد مهر و آینه‌های مهری (میتاری) که بیش از زرتشت، در هند و ایران وجود داشته، به ماه مهر و جشن مهرگان سیمای دینی بیشتری افزوده بود.<sup>(۴)</sup>

#### منابع:

- ۱- فرهنگ معین؛ ۱۳۶۳؛ ۲۰۵۸-۲۰۵۷- هاشم رضی؛ ۱۳۸۳؛
- ۲- همان؛ ۴۲۳- ۴۲۲- پورداده؛ ۱۳۴۷؛ ۴۲۴- ۴۲۷
- ۳- شاهنامه فردوسی، تصحیح جلال خالقی مطلق، جلد یکم، داستان فریدون. ۶- داشتماه ویکی پدیدای

پی نوروز بود. و ششم آن مهرگان بود و رام روز نام دارد و بدین داندش.»

و در جایی دیگر می‌گوید «.. گویند مهر، نام خورشید است و در چنین روزی پدیدار گشته، از این روز، نام مهرگان را به او نسبت داده اند. پادشاهان در این روز تاجی به شکل خورشید که در آن دایره‌ای مانند چرخ چسبیده بود بر سر می‌گذاشتند و می‌گویند که در این روز فریدون بر بیوراسپ (ضحاک ماردوش) دست یافت. چون در چنین روزی فرستگان از آسuan به یاری فریدون پایین آمدند، لذا در جشن مهرگان به یاد آن روز، در سوی پادشاهان، مردی دلیر می‌گماشتند و با مددادان به آواز بلند ندا می‌داد، ای فرستگان به سوی دنیا بشتابید و جهان را از گزند اهريمنان برهاشید.<sup>(۵)</sup>

دقیقی نیز در بیتی می‌گوید:

مهرگان آمد جشن ملک افریدونا  
آن کجا گاو خوشش بودی برمایونا

(برمایون نام گاوی است که فریدون با شیرش پرورش یافت). این بیت دقیقی با سخن ابوریحان هماهنگی دارد و احتمال وجود ماجراهای فریدون و ضحاک را در پشت مهرگان تقویت می‌کند.

«رودکی» نیز در مورد جشن مهرگان سروده است:

ملکا جشن مهرگان آمد

جشن شاهان و خسروان آمد

مورخان، نویسنده‌گان و شاعران بسیاری، از روزگاران کهنه، از برگزاری جشن مهرگان - مانند جشن‌های کهنه دیگر - در دستگاه پادشاهان و حاکمان خبر داده و در مورد معنا و پیدایش آن نگاشته اند و شعر سروده اند. امروزه، اما این جشن، به شیوه‌ای که در کتابهای تاریخی سده‌های چهارم و پنجم و ششم آمده، نه در دستگاه دولتی و حکومتی برگزار می‌شود و نه در گردهمایی‌های غیر رسمی، نزد عامه مردم. دست کم، در دو سده اخیر نیز از برگزاری آن آگاهی در دست نیست. جشن و آینه‌های مهرگان، از نظر زمای نیز، با تغییر تقویم در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی، تغییر کرد. بدین معنی که ۵ روز چنجه - خمسه (که پس از ۱۲ ماه سی روزه

است به برج حمل از این بزرگتر جشنی نمی‌باشد و همچنان که نوروز را عامه و خاصه می‌باشد، مهرگان را نیز عامه و خاصه است و تا شش روز تعظیم این جشن کنند. ابتدا از روز شانزدهم و آن را مهرگان عامه خوانند و انتها روز بیست و یکم و آن را مهرگان خاصه (روز جشن مغان یعنی آتش پرستاران) خوانند و عجمان گویند که خدای تعالی زمین را در این روز گسترانید و اجساد را در این روز محل و مقبر ارواح گردانید...»

قدمت مهرگان به قول دکتر نائل خانلری به درازنای تاریخ ایران است و با توجه به نوشته‌های موجود می‌توان گفت که این جشن از دوران فریدون پیشدادی آغاز شده است. فردوسی شاعر بزرگ ایران به روشی در شاهنامه به پیدایش این جشن در دوران

پادشاهی فریدون اشاره کرده است:

فریدون چو شد برجهان کامکار  
ندانست جز خویشتن شهریار  
به رسم کیان تاج و تخت مهی  
پیاراست با کاخ شاهنشاهی  
به روز خجسته سر مهر ماه  
به سر بر نهاد آن کیانی کلاه  
زمانه بی‌الدوه گشت از بدی  
گرفتند هر کس ره بخودی  
دل از داوری ها پرداختند  
به آین، یکن، جشن نو ساختند  
نشستند لرستانگان، شادکام  
گرفتند هر یک ز یاقوت، جام  
می‌روشن و چهره شاه ن تو  
جهان نو ز داد از سرمهه نو  
پفرمود تا آتش افروختند  
همه عنبر و زعفران سوختند  
پرسنیدن مهرگان دین اوست  
تن آسانی و خوردن آین اوست  
کنون یادگارست ازو ماه مهر  
به کوش و به رنج ایج منعای چهر  
«ابوریحان بیرونی» نیز در «التھیم»  
می‌نویسد:

«.. شانزدهم روز است از مهرماه و نامش مهر و اندرین روز فریدون ظفر یافت بر بیوراسپ جادو. آنک معروف است به ضحاک و به کوه دماوند بازداشت و روزها که سپس مهرگان است همه جشن‌اند، بر کودار آیع از